

بسم الله الرحمن الرحيم

فتنه؛ چرایی، چگونگی و پیامدهای آن

آنچه ملاحظه می‌فرمائید متن پیاده شده سخنرانی جحت الاسلام حاج آقا حاجی صادقی نماینده محترم ولی فقیه در سپاه می‌باشد که در همایش جهاد تبیین سازمان بسیج اساتید در مهرماه ایراد شده است که جهت استفاده مسئولان و اساتید شبکه ملی جهاد تبیین تقدیم می‌گردد.

نسبت به این فتنه و حوادثی که در کشور ما رخ داده موضوع را به دو علت در محضرتان عرض می‌کنم. اول آن که فتنه دو مرحله دارد، یک اقبال دارد و یک ادبار. در مرحله شروعش به تعبیر حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، شبهه، تردید و خرابی می‌آورد. اما مرحله دوم فتنه دوره تنبه است، دوره بصیرت و بیداری و استفاده است. ما دوره "اذا اقبلت" را گذرانده ایم و الان در دوره "اذا ادبرت" هستیم و می‌خواهیم روی این موضوع صحبت کنیم. امروز بسیج اساتید ما، پیشتازان فرهنگ بسیجی هستند و باید چه کار بکنند در این مرحله ادبار فتنه؟ نکته دومی که می‌خواهم عرض کنم این است که امروز برای همه روشن است که کارگردان فتنه دشمن

است. این را همه می‌دانند و مقام معظم رهبری چندین مرتبه روی این قضیه تأکید و با صراحت اعلام کرده اند و خود دشمنان هم صریحا می‌گویند که آمریکا هیچ راهی برای براندازی جمهوری اسلامی، در پیش ندارد جز از طریق مردم ایران. اینها این تجربه را از صدر اسلام به دست آورده اند و می‌گویند در صدر اسلام نه یهود توانست اسلام را نابود کند و نه مشرکین و فقط زمانی موفق شدند که مسلمان شدند قاتل اسلام. اما چرا در حالی که این مسئله باز هم بعضی از خواص ما چه در حوزه و چه در دانشگاه، این مسئله را متوجه نشدند و همراهی با انقلاب نکردند و آتش بیار دشمن شدند. به تعبیر دیگر عوامل لغزش خواص که حرکت هیجانی عوام را سرعت و آتشش را بیشتر کرد چه بود؟ این را باید شما درمان کنید. ممکن است خیلی دلایل و سوالات دیگری در خصوص فتنه باشد که یک مقداری به حاکمیت و یک مقداری به رسانه‌ها بر می‌گردد؛ اما به بسیج اساتید و حوزه های علمیه چه چیزی بر می‌گردد؟ دوستان بسیج اساتید زحمت بکشند و فقط لیست فتنه‌هایی را که بعد از انقلاب از همان دهه ۵۰ تا به حالا داشته ایم را فهرست کنند و بعد شما ببینید از هر فتنه چقدر این دستور حضرت علی علیه السلام را یاد گرفته‌ایم. یعنی تنبه و فرصت سازی. از همان دهه اول که انقلاب پیروز شد یعنی سال ۱۳۵۷ بزرگترین فتنه را همان زمان داشتیم، یک مرجع تقلید با یک جریان بزرگی در مقابل انقلاب قرار گرفت

یک فتنه بزرگی بود، قائم مقام امام دهه ۶۰، اما نسبت به این فتنه و فتنه های آینده بنده یک مقدمه ای را مطرح می کنم.

در دین ما پذیرفته شده است که شخصیت هر انسان و جامعه ای را دو چیز شکل می دهد، یکی علم و آگاهی و معرفت و دوم تعلقات و دلبستگی ها و گرایش ها که منشا رفتار هم همین دو چیز است، عمده دانشمندان پذیرفته اند که این دو اصل اندیشه و گرایش سازنده رفتار است به تعبیر قرآن و بزرگان هم این دو باهم پیوند و تعامل دارند. قاعدتاً انسان به چیزی گرایش پیدا می کند که از آن آگاهی دارد و به هر چه گرایش پیدا کرد تلاش می کند که آگاهی اش را نسبت به آن موضوع افزایش دهد. قرآن هم روی این تأکید می فرماید یکی از عوامل انحراف، جهل است و دوم دلبستگی های انحرافی. قرآن یکی از عوامل دین گریزی را، جهل معرفی می کند لذا می بینید که در فرهنگ قرآن برای محقق هیچ خط قرمزی وجود ندارد، مثلاً در متن آیات مبارزه و جنگ که بسم الله هم ندارند (سوره براءت و توبه) آیه ۶ این سوره می فرماید؛ اگر یک مشرکی از تو مهلت خواست که تحقیق کند، همان مشرکی که در آیه قبل و بعدش گفته که هیچ رحمی به او نکن این جا می گوید باید به او مهلت بدهی که بیاید حرف خدا را بشنود و حالا وقتی شنید با او چه رفتاری کنیم. می گوید بازجویی اش نکن و او را مورد سوال قرار نده و او را به سرزمین امن برسان، جایی که فرصت کند با امنیت موضع

بگیرد. این جا ما می‌پرسیم که خدایا چرا از پرسش پرسشگر و از تحقیق محقق نگران نیستی؟ پاسخ آن است که چون مبنای دین گریزی این‌ها جهل است؛ و بعضی از آیات هم می‌گویند که بعضی از انسان‌ها عالم هستند اما دلبستگی‌هایشان نمی‌گذارد، (بل یزید الانسان لیفجر امامه) گاهی هم قرآن پیوند این دو را باهم معنا می‌کند، قرآن اشاره دارد که چگونه می‌شود که بعضی‌ها اسیر دنیا هستند و نه دنیا اسیر آنها؟ دنیا بر آنها فرمان می‌راند و نه آنها بر دنیا فرمان براند؟ می‌فرماید علتش معرفت اینها است، (فاعرض عن من تولى عن ذكرنا و لم يرد الا الحياه الدنيا) این‌ها جز دنیا را نمی‌پسندند، چرا؟ (ذلک مبلغهم من العلم) چون بیشتر از این نمی‌فهمند و نمی‌بینند! معرفتش چیزی بیشتر از این عالم طبیعت نیست، وقتی بیشتر از این را نمی‌بینید، بیشتر از این هم تعلق خاطر ندارد، باید این آگاهی و معرفت بالاتر برود که تعلقات هم بالاتر برود. قرآن در معرفی دشمن هم بحث دارد، می‌فرماید دشمن برای تسخیر شما چه تسخیر فرد، چه امت و چه نظام شما، دو راهکار اساسی دارد، یکی بصیرت زدایی یعنی در جهل و غفلت بودن، علم را کانالیزه کردن و آن چیزی را که او می‌خواهد بشوید، یعنی بشوید مصرف‌کننده و آن تعریفی که او از علم می‌کند را شما بدانید و دانش شما دانشی باشد که او می‌دهد، و دوم، تعلقات شما را تغییر و دلبستگی‌های شما را عوض کند. امروز این جریانهای

اخلاقی و مباحثی مثل حجاب و... فقط یک مباحث مربوط به مسائل
فقهی و احکام نیست بلکه یک میدان جنگ شده است.

یکی از مسئولین کشورهای همسایه ۲۵ سال پیش در یک
جلسه ای با یکی از معاونین وزیر امور خارجه ما گفته بود تا زمانی
که شما از فلان گروه معارض ما در کشورتان حمایت می کنید ما
هم ورود این مفاسد اخلاقی را به کشور شما فعال تر انجام خواهیم
داد. ببینید دشمن چه می گوید، می گوید اگر جوان را معتاد کردی
دیگر بسیجی نمی شود. این حرف غربی ها است و اگر نتوانستی
معتادش کنی، او را گرفتار فساد اخلاقی کن که این فرد دیگر
بسیجی نمی شود و برای نظام سربازی و فرمانبری نمی کند. یکی از
چیزهایی که ما در این فتنه دیدیم لرزش خواص بود که یکی از دو
علت را داشت، عده ای شبهه علمی داشتند، خدمت بعضی از بزرگان
رفتم، گفتم ببینید یک نگاهی بکنید که واقعا این مرحله و اغتشاش،
اقتصاد پایه نیست، ببینید از سر گرسنگی نیست، نگاه کنید آدمهایی
که دارند نقش ایفا می کنند مثلاً از این طبقه هستند. ببینید حرف
اینها چیست؟ آنها به من می گفتند، چرا شما همه چیز را به دشمن
نسبت می دهید؟ چرا همه اش فکر می کنید آمریکاست؟ من به آنها
می گفتم این حرف های خود آمریکایی ها است. چرا ما هنرپیشه را
می بینیم ولی کارگردان را نمی بینیم. مثل اینکه ما همیشه تاکتیک
های دشمن را می بینیم ولی راهبردها را نمی بینیم. عده ای در این

صحنه لغزیدند و عده ای هم دنبال گرفتن انتقام بودند. عده ای نگران بودند که نکند در این دولت پیشرفت هایی شکل بگیرد که برای آنها بی آبرویی باشد. این آقایان! وقتی می خواستند دولت را تحویل بدهند خودشان گفتند که چه چیزی را داریم تحویل می دهیم. من یک بار خدمت آقای رئیسی عرض کردم که اگر می شود این جلسه ای که رئیس جمهوری قبلی پیش شما آمد و به شما گفت که کشوری که دارم به شما تحویل می دهد این است! من گفتم همان فیلم را پخش کنید، که ایشان گفت ضبط تصویری نشده است. گفتم همان را بیان کنید، چون خود این فرد بیان کرده که در چه وضعیتی کشور را تحویل شما داده است و بعد هم می گوید تنها یک نسخه وجود دارد و بعد هم ایشان می گوید نگذاشته اند من این نسخه را عمل کنم، شما هم تنها این راه را دارید، و آن وین است (مذاکرات) راهش کدخدا است و ما چاره ای جز این نداریم! خوب این آقایان الان آنقدر سیاه نمایی کردند، آنقدر ضعف ها را بزرگ جلوه داده اند که خیلی از موفقیت ها را خود من و شما هم نمی بینیم. و حال آنکه انقلاب فراز و نشیب داشته اما توقف نداشته است. الان هم سرعت رشد انقلاب خوب است، نه اینکه خطا و اشتباهی نیست، اما دارد یک حرکت ها و گشایشی ها انجام می شود و چرا بعضی خواص نمی توانند تشخیص بدهند؟ این بخاطر شبهه علمی نیست ما اینها را می شناسیم اینها ۸ سال مسئول بودند. بنده

به یکی از اینها گفتم که خودت وزیر بودی، تخصص داری، بعد شما می گویی که مگر می شود یک آدم همینطوری برود جایی و بی دلیل بمیرد! نخیر حتما قتل است! به ایشان گفتم چطوری این حرفها را می زنید؛ در بیمارستانها و جاهای مختلف خیلی ها را سراغ داریم که پشت چراغ قرمز متوقف شدند و دیگر حرکت نکردند؛ استاد خود ما چند سال پیش آمد در مدرسه فیضه، نماز مغرب را خواند، آقای شیخ علی پناه اشتهاردی، نافله مغرب را خواند، دیدیم بلند نمی شود نماز عشا را بخواند، همینطوری در محراب نشسته بود و بعد از مدتی یکی از دوستان رفت خدمت ایشان و گفت که ماه رجب است و خیلی ها روزه هستند و نماز را شروع کنید که مشاهده کردیم ایشان فوت شده اند. آنوقت در این موضوع یک پزشک متخصص بیاید بگوید که قطعاً اینجا قتل بوده است! و یک حادثه کوچک را اینطور گسترش بدهند.

عوامل فتنه از منظر قرآن

بنده می خواهم این را عرض کنم که دشمن توانسته با این دو عامل پیشروی کند. عده ای را با جهل و غفلت بازی بدهد و عده ای را با گرایش های دنیایی، یعنی همان چیزی که قرآن می گوید یعنی علم و ایمان که اساس هدایت قرآنی هم همین دو اصل است، علم و ایمان. که شهید مطهری فریاد می زد نگویند علم یا ایمان، این

تقابل های دروغین را نگوئید، بگوئید علم با ایمان. اینها دهها تقابل دروغین درست کرده اند و مثل علم یا ایمان، حق یا تکلیف، خدا یا مردم که تمام اینها را از قرآن استفاده می‌کنیم که دروغ است، خدا با مردم و حق با تکلیف است. من حالا سوالم این است که در این مسئله ای که پیش آمده آیا ما هم تقصیری داریم یا خیر؟ سازمان بسیج اساتید آیا در این مرحله تقصیری دارد یا خیر؟ کشور ما پر است از تقصیرهای بدون مقصر. واقعاً نمی‌خواهم به شما فقط بگویم اول خودم به عنوان یک طلبه که در سپاه و بسیج مسئولیت دارد از همه مقصرتر هستم. چرا بچه بسیجی ما در دهه اول، سلاح برنو او به موشک تبدیل شده، اما آیا معرفت دینی این بچه بسیجی دهه اول رشد قوی و متناسب با این زمانه پیدا کرده است؟ نخیر. بنده مقصر هستم که نتوانسته ایم این مشکل را حل کنیم. حرف من این است که چرا گفته می‌شود فرهنگ؟ دانشگاه‌ها و به ویژه آموزش و پرورش سنگرهای فتح نشده انقلاب هستند؟ چرا گفته می‌شود خرمشهرهای فتح نشده؟ که یک کسی می‌گفت این‌که شما می‌گوئید نوجوانان و جوانان با هیجان و تحریک‌ها آمدند و این آتش سوزی‌ها را انجام دادند در جنگ و دفاع مقدس هم همین جوان‌ها آمدند. گفتند بله درست است با این تفاوت که آن موقع درست جهت داده شدند. آن موقع هم این جوان شور داشت اما امام راحل آمد این شور و هیجان را در صراط مستقیم مدیریت کرد. اما آن

چیزی که باید از این فتنه یاد بگیریم این است که بسیج اساتید ما، اساتید دانشگاهش، دانشجویش و مدیرش را ببرد در جهت معرفت و گرایش به سمت آن چیزی که انقلاب می‌گوید حرکت دهد. انقلاب آمده گرایش‌ها را عوض کند. قرآن به ما یاد داده است و می‌گوید پیامبر اکرم (ص) آمده است که به شما حیات بدهد نه حیاتی که از جنس حیات مصنوعی است بلکه حیات از جنس روح الهی و تیبه است. دوم آن که پیامبر آمده است که به شما آزادی بدهد نه آزادی حیوانی، بلکه آزادی انسانی، ما باید یک تحرکی و یک جهشی ایجاد کنیم. این فتنه باید یک هشدار و بیدارباشی برای ما باشد.

چرا بسیج امروز ما، ماهیت بسیج آفرینی‌اش کم شده است. در دانشگاه، بسیج نباید کنار گروه‌های دیگر خودش را یک گروه معرفی شود. بلکه باید بتواند همه را بسیج کند. چرا هر فرد بسیجی ما چه استاد، دانشجو و طلبه نتوانسته است ده تا بسیجی بسازد. زمان جنگ اینطوری بود که یک بسیجی وقتی از جبهه می‌آمد به روستا و دفعه بعد که می‌خواست برود ده نفر را با خودش می‌برد جبهه. یک مقدار به اینها هم برسیم. من خواهش می‌کنم آقای مردانی بررسی کنید که اگر مشکل ساختاری دارند آن را حل کنند یا اگر مشکل محتوایی یا جهت‌گیری یا هدفمندی دارید، آن را حل کنید.

بدانیم این فتنه تمام می‌شود منتهی فتنه بعدی در پیش است. در دو دهه اول انقلاب فتنه بعدی چیست؟ تمام تلاش دشمن در فتنه این بود که متمرکز شود بین حاکمیت و نخبگان جدایی ایجاد کند که موفق نشد. از دهه سوم به بعد به ویژه بعد از فتنه ۸۸ که شکست خوردند به این جمع بندی رسیدند که اگر طبقه خواص را به عنوان حلقه واسط بین حاکمیت و مردم بزنیم گفتم که این حلقه واسط را بزنیم، زنجیر پاره می‌شود. در فتنه ۸۸ حلقه واسط را زدند اما نتیجه این شد که امت مستقیماً به ولایت وصل شد و این زنجیر پاره نشد و الان دو دهه است که آمده اند سراغ خود مردم و این تمرکز آنها روی جوان و نوجوان و طبقه زنان و دختران بی حساب و کتاب و بی برنامه نیست. ما باید بررسی کنیم که چه کاری باید انجام دهیم؟

برکات فتنه

مطلب آخر، این است که فتنه، تلخی دارد، آسیب رسانی دارد، غصه دارد اما به ما گفته شده که در کنار این‌ها یک برکاتی هم دارد این را با ادبیات قرآنی عرض می‌کنم، لاقلاً سه مورد از برکات را ذکر می‌کنم اول آن که، فتنه مهمترین ماده آزمایش خداوند است، خداوند می‌فرماید من یک سنت تغییر ناپذیر دارم که از همه امتحان می‌گیرم، یک کسی هم آمد گفت به پیامبر که دعا کنید خدا من را

امتحان نکند. پیامبر فرمودند که همچنين دعایي مستجاب نمی شود. (احسب الناس ان يتركوا ان اقولو امنا و هم لا يفتنون) بعضی فکر کردند بگویند ما ایمان آوردیم امتحان نمی شوند، نخیر، در حالی که سنت ما این است که (و لقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن ... الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین) حتما باید امتحان شویم، اما در مواد امتحانی خدا، گاهی شادی امتحان است و گاهی غم امتحان است به تعبیر قرآن (ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص ...). اما از قرآن به دست می آوریم که مهمترین ماده امتحانی فتنه است. در فتنه است که جوهره انسانها روشن می شود. به تعبیر حضرت علی علیه السلام در فتنه است که انسانها غربال می شوند " لتبلبلن بلبله و لتغربلن غربله " باید انسانها جوهر خود را نشان دهند. برکت دوم این است که فتنه یک مقدار ریزش هم دارد. به تعبیر پیامبر از این ریزشها ناراحت نشوید این ریزشها ویروس است. ریزشها غده های سرطانی هستند. اگر ریزش نکنند می میرانند. ولی در پرتو فتنه می میرند. این پیشگویی پیامبر را گوش دهید با اینکه پیامبر راجع به فتنه بعد از رحلت خودشان هم خیلی صحبت کرده بودند اما اینجا تکیه می کنند به فتنه آخر الزمان: از فتنه های آخرالزمان ناراحت نباشید؟ چرا؟ به دلیل اینکه فتنه، منافق را از پوست خود خارج می کند و از بین می برد. این ریزشها خوب است باید این ریزشها باشد تا چهره ها مشخص گردد. فتنه کشف حجاب می کند، کار

فتنه این است. حجاب بعضی ها کنار می افتد. این باید بشود چون خطرناک ترین دشمن و بیماری، بیماری بدون درد است. امان از آن مرضی که درد ندارد. فتنه درد می آورد من همه حرفم این است که آیا این فتنه، درد آورد برای شما یا خیر؟ آیا در شما احساسی ایجاد کرد یا خیر؟ آیا در نهاد سازمان بسیج و در حوزه های علمیه و دانشگاهها ایجاد درد کرد یا خیر؟ دقت کنید که خط مقدم پاسداری در انقلاب و دانشگاهها شما هستید. شما باید که امام بسیج دانشجویی و امام بسیج اقشار باشید. آیا این فتنه به ما احساس درد داده است؟ سومین برکت این است که در روایت داریم که ظهور فتنه ها برای خالص شدن انسانها را یکی از مقدمات و شرایط ظهور معرفی کرده است. اما صادق علیه السلام در یک روایتی به کسی فرمود، این قیام محقق نمی شود الا بعد از یأس، اول باید به این نتیجه برسیم که غیر از خدا هر ولایتی و هر نظام حکمرانی نابود است و شما را به جایی نمی رساند. شرط اول ظهور تبری است. از حاکمیت های غیرالهی بریدن است. شرط دوم اینکه شما تمییز داده شوید و خالص شوید. شقی از سعید جدا شود و ماهیت ها آشکار شود. مهم این است که ما بتوانیم از این فرصتها استفاده کنیم. مهم این است که ما در برابر این فتنه ها و مسائل بتوانیم فرصت سازی کنیم و تنبه بگیریم. به لطف الهی این فتنه هم تمام می شود اما ما باید در برابر دشمنی که می خواهد بصیرت زدایی کند و هم ما را

اسیر گرایش‌های زمین‌گیر کننده کند در مکتب پیامبر و امام صادق
علیهم السلام، اول علم، آگاهی و معرفت انسانی را بالا ببریم و دوم
گرایش‌ها را از جنس گرایش‌های انسانی بسازیم این انقلاب آمده
است که یک اسلام ناب را زنده کند و دوم زمینه ظهور را فراهم کند
که انشاءالله با کمک خداوند آینده‌ای بسیار درخشان و خوب پیش رو
خواهیم داشت.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته